

اخلاق در دین زرتشت از منظر مینوی خرد

مصطفی فرهودی*

با بیم و سخن دروغ زیستن، از مرگ بدتر است.

مینوی خرد

چکیده

اخلاق در دین زرتشت، پیوند عمیقی با سرشت هستی دارد. اقتدار مطلق اهوره مزدا در جهان و نجات انسان در دین زرتشت، در گرو زیست اخلاقی انسان است. از این رو، این آرمان با رعایت تمام آنچه به عنوان اعتقادات، آیین و مناسک تلقی می شود، باید در ساحت های مختلف زندگی انسانی تحقق یابد. آدمی در هر رتبه و جایگاه، باید با تمام قوا همراه با رعایت اخلاق، تلاش کند تا امشاسپندان را در خویشتن، متوطن سازد و جهانی را که به دست اهریمن آلوده گردیده، پاک کند و اهریمن را از پا در آورد. داشتن قلبی سلیم همراه با ایمانی سرشار از معرفت، بسیار ارزشمندتر از رفتار بیرونی است. انسان با یاری خرد که توأم با اختیار است، می تواند زمینه رشد اخلاقی را فراهم سازد. شایسته توجه است که اهریمن با آسیب رساندن به دانایی انسان و تقدیری که برای انسان رقم خورده، می تواند مانعی جدی در به کمال رسیدن انسان باشد.

کلیدواژه ها: اهوره مزدا، اهریمن، اخلاق، خرد، اختیار، تقدیر، مینوی خرد.

* عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب. Mfarhoudi2@Yahoo.Com

جایگاه اخلاق در دین زرتشت

قوانین اخلاقی در همه ادیان وجود دارد، اما بر اساس اعتقادات دین زرتشتی، بین رفتار اخلاقی با آنچه در کیهان واقع می شود، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. رفتار انسان نه تنها بر خود او، بلکه بر کل هستی از مینو تا گیتی، تأثیر می گذارد. انسان در پرتو رعایت «آش» که همان موازین اعتقادی، اخلاقی حاکم بر جهان است، می تواند زمینه ساز ظهور منجی «سوشیانت» باشد که در نهایت، اقتدار کامل اهوره مزدا بر کل هستی را در پی دارد. از این رو، بخش مهمی از متون زرتشتی به مسائل اخلاقی اختصاص یافته است؛ یکی از آن متون اخلاقی، کتاب «مینوی خرد» است.

متون اخلاقی زرتشتی عمدتاً به سه دسته قابل تقسیم است: متونی که در خصال عملی، عرفی و غیردینی است که در مجالس درباریان خوانده می شدند. دسته دوم، متونی است که جنبه های دینی داشت، اما در سطح عامیانه نگاشته می شد. دسته سوم، حاوی اشارات مبهم و پیچیده اخلاقی بود که فقط برای کسانی که تحصیلات عالی دینی داشتند، قابل استفاده بود. کتاب مینوی خرد از متون دسته دوم است؛ اما از نظر رده بندی متون پهلوی - که به دو دسته «پوریونکیشان» و «اهلایان» تقسیم می شود (پاکتچی، ص ۱۶۹) - [الف] مینوی خرد را با توجه به این که تأکید بر آمیزش روشنی و تاریکی و نیز تأکید بر ستیز اهوره مزدا و اهریمن دارد، می توان از سری متون اهلایان دانست. کتاب «مینوی خرد» با عنوان کامل کتاب «دادستان مینوی خرد»، متنی اخلاقی - تعلیمی است که محور اصلی، بررسی بایست های مینوی خرد است. این کتاب متعلق به دوره ساسانیان است؛ اما از نویسنده آن هیچ اطلاعی وجود ندارد. در مقدمه کتاب چنین آمده است: «از دستورانی که در دین دانایان و آگاه تر بودند، پرسید که برای نگاهداری تن و نجات روان، چه چیز بهتر و برتر است» (مینوی خرد، ۱۳۵۴، ص ۴). برخی به دلیل آرای مینوی خرد درباره پرهیز از دنیا و زودگذر بودن آن، بر این باورند که نویسنده تحت تأثیر اعتقاداتی همچون جبر و اختربینی تعلیم زروانی



است «که کار جهان همه به تقدیر و زمانه و بخت مقدر، پیش می‌رود که خود زروان فرمانروا و دیرنگ خدا است؛ به گونه‌ای که در هر دوره‌ای برای هر کسی مقدر شده است که آنچه لازم است بیابد، به همان گونه آن چیز بر او می‌رسد» (همان، پرسش ۲۶، بند ۱۴-۱۰)؛ با این حال، برخی محققان، این شواهد را ناکافی می‌دانند (Encyclopaedia Iranica, vi).

در دین زرتشت، خیر و شر در جنگ و جدالند؛ و انسان در این جنگ نه تنها ابزاری برای مقابلهٔ اهوره مزدا با اهریمن است، که در درون خود نیز درگیر این مبارزه است: «در آغاز آفرینش سپندمینو آن دیگری مینوی ناپاک را چنین گفت: نه منش، نه آموزش، نه خرد، نه باور، نه گفتار، نه کردار، نه دین و نه روان ما دو مینو، با هم سازگارند» (اوستا، ۱۳۷۹، ج ۱، یسنه، هات ۲: ۴۵). با توجه به دوگرایی اخلاقی در دین زرتشت، اهریمن در آسیب رساندن به دانایی انسان و تقدیری که برای انسان رقم خورده، می‌تواند مانعی جدی در به کمال رسیدن انسان باشد. اخلاقی زندگی کردن در دین زرتشت، تنها به رعایت اوامر و نواهی و به حفاظت از مخلوقات مزدایی، محدود نمی‌گردد؛ بلکه احیای خصال اخلاقی برآمده از امشاسپندان نیز امری ضروری است تا آن‌جا که این خصال در جان انسان مهمان گردد و جانش با ایزدان و امشاسپندان، پیوند بخورد:

«پرسید دانا از مینوی خرد که اور مزد و امشاسپندان و بهشت خوشبوی و خرم را به چه بیش تر می‌توان از آن خویش کرد؛ و اهریمن بدکار و دیوان را چگونه می‌توان شکست داد؛ و از دوزخ بی‌بها و تاریک چگونه می‌توان رست؟ مینوی خرد پاسخ داد: وقتی که مینوی خرد را به پشتیبانی گیرند؛ و مینوی خرسندی را مانند سلاح و زره و جوشن بر تن پوشند؛ و مینوی راستی را همچون سپر دارند؛ و مینوی سپاسداری را همچون گرز؛ و مینوی کامل فکری را همچون کمان؛ و مینوی رادی را همچون تیر؛ و مینوی پیمان را همچون نیزه؛ و مینوی کوشش را همچون آبدست (= سلاح محافظ) دارند و مینوی تقدیر به پناه گیرند» (مینوی خرد، ۱۳۵۴، پرسش ۴۲، بند ۱-۷).

در مقابل امشاسپندان، کماله دیوان «چه سر تنفرانگیزی» [ب] قرار دارند. این دیوان، نقش کلیدی در رفتار بد آدمی دارند. اهریمن برای گمراه کردن زرتشت، کومن را استخدام کرد: «تو

مینوتری؛ زیرا که اندرونی‌ترین هستی برای فریفتن به سوی اندیشه زرتشت. برو و اندیشه او را به سوی ما که دیویم بگردان» (راشد محصل، ۱۳۸۵، ص ۴۷ و ۵۷). برای هماوردی با کماله دیوان، باید امشاسپندان را در تن جای داد و در ازای زندگی، آن‌ها را حفظ کرد (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۶، ص ۴۲). انسان با یاری خرد که توأم با اختیار است، می‌تواند زمینه رشد اخلاقی را فراهم سازد؛ و اهوره‌مزدا و ایزدان با حضورشان در آدمی، رابطه دو سویه بین خلق و خالق را ایجاد می‌کنند. این حضور عمیق در انسان می‌تواند زمینه ساز موهبتی بزرگ در رسیدن انسان به کمال باشد. فضایل و رذایل، آخرالامر در عالم پس از مرگ تجسم می‌یابند و انسان را تا عبور از پل چینود (پل صراط) همراهی می‌کنند (مینوی خرد، ۱۳۵۴، پرسش ۱).

انسان در مینوی خرد به سه دسته، قابل تقسیم است: (همان، پرسش ۴۱) گروهی مرد هستند، گروه دیگر نیم‌مرد، و سومین گروه نیم‌دیو. گروه نخست، انسان‌هایی هستند که به نقش اهوره‌مزدا و اهریمن در آفرینش باور دارند؛ نسبت به رستاخیز مؤمنند؛ و به هیچ فرقه، گرایش نداشته باشند. این گروه، تنها پاکان هستند که از هیچ تلاشی برای پیروزی اهوره‌مزدا فروگذار نمی‌کنند. گروه دوم که به نیم‌مرد موسومند، اعمال و رفتارشان بر اساس منافع و مضار است و هر آنچه از دستورات اهوره‌مزدا به نفعشان باشد، تن در می‌دهند؛ از این رو، در برخی موارد، اعمالشان به کام اهریمن است. گروه سوم، کسانی هستند که هیچ امیدی به فلاح و رستگاری شان نیست و فقط نام آدمیت بر آنان است و به روز پسین نمی‌اندیشند. این نوشتار ابتدا به آموزه «اشه»، و سپس به موازین اخلاقی در ساحت اجتماعی و فردی، و در ادامه به عوامل و موانع رشد اخلاقی در دین زرتشت از منظر مینوی خرد می‌پردازد.

اهمیت اشه

زندگی برتر با رعایت اشه (راستی در سه ساحت گفتار، کردار و پندار) به دست می‌آید. در مقابل زندگی بافضیلت، زندگی با دروغ و ترس است: «زندگی کسی بدتر است که با بیم و و گفتار دروغ، زندگی کند؛ و از نظر خرد، خرد کسی ناپسندیده‌تر است که به مینو نگرود و گیتی را بیاراید» (همان، پرسش ۲۹). تمام تلاش‌های فضیلت‌آمیز برای نجات انسان از این دنیا است؛ «بر اساس تعالیم زرتشتی مجموعه کوشش نیکوکاران کم‌کم شر را ضعیف خواهد کرد و بدین



ترتیب، پیروزی خیر را میسر می گرداند و این انتظاری است که همواره از پیروان او می رود» (Boyce: 1997: 162). بدتر از آن زندگی ای است که سمت سوی آن، فقط گیتی باشد. زندگی که از راه درست فراهم نیاید، بدترین زندگی است، حتی اگر از رفاه و ثروت بهره مند باشد (مینوی خرد، ۱۳۵۴، پرسش ۴۹، بند، ۴۳). شاید بتوان گفت اشته محوری ترین آموزه دین زرتشت است که به معنای نظم، درستی، راستی و در یک جمله، «اشه رعایت اخلاق در تمام جوانب زندگی است». تمام آنچه در نظام هستی است، مطابق با این قانون کیهانی است. بر اساس شواهد ودایی و اوستایی، سه معبود اخلاقی / اهوره مزدا، میثر / ورونه نیز حافظ نظم، راستی و عدالت بوده است (بویس، ۱۳۷۵، ص ۳۲). در مقابل آن، دروغ یعنی نادیده گرفتن نظام کیهانی مطابق اشته است که این نظام اخلاقی هم در عالم کبیر و هم در عالم صغیر تأثیرگذار است (بهار، ۱۳۹۰، ص ۴۰). در دین زرتشت، اشته بنیاد لغزش ناپذیر آفرینش است و زندگی انسانی از دو حالت خارج نیست یا با اشته است یا بر ضد آن. می توان گفت که بنیاد دین زرتشت، بر جنگ میان خیر و شر نهاده شده است که به طور دائم هر کدام در حال ایجاد یا نابودگری هستند (فضایی، ۱۳۹۱، ص ۳۵). کتاب مینوی خرد، از آغاز، امکان رسیدن به مقام اشیوی را در کمک گرفتن از مینوی خرد و آراسته شدن به مینوی خرسندی، راستی و بهره مندی از فکر، رعایت عهد، پیمان، تلاش و کوشش می داند (مینوی خرد، پرسش ۱۴: ۴۲-۴۴). در نظام اخلاقی دین زرتشتی، همه اعم از اورمزد و انسان، مکلف به رعایت اشته هستند. در گاهان تأکید فراوانی از زرتشت به سوی اشته با پیمودن قوانین اخلاقی وجود دارد (یسنه، هات ۲۸: ۴-۷ و هات ۳۳) که سرانجام موجب سعادت انسان می گردد. این سعادت بخشی و یاری رساندن اشته، تحت لوای اهوره مزدا رخ می دهد (یسنه، هات ۷: ۳۴) و اشته سرچشمه اقتدار اهورا مزدا است (یسنه، هات ۲۹: ۱۰). ناگفته نماند که اشته غیر از ساحت اخلاقی، در حوزه کائنات، نماد قانون علت و معلول در نظام هستی و عدالت است. این یک باید اخلاقی و آرمانی است، اما انسان نسبت به آن مختار است (یسنه، هات ۲: ۳۰-۵)؛ و این اختیار، خواست اهوره مزدا است که انسان آزادانه راه خود را برگزیند. معیار برتری و فضیلت انسان بر هموعان خویش، در انجام اعمال نیک و پرهیز از نادرستی در همه امور است (مینوی خرد، پرسش ۱: ۱۱-۶۰). بدیهی است که بین جامعه و فرد، تأثیر و تأثر وجود دارد؛ از این رو، مینوی

خرد به هر دو ساحت می‌پردازد و معتقد است انسان در پرتو رعایت اخلاق در ساحت‌های اجتماعی و فردی، می‌تواند به سعادت رسیده، از دست اهریمن نجات یابد.

اخلاق در ساحت اجتماعی

دین زرتشت رعایت اخلاق در اجتماع را از ارکان اساسی و تأثیرگذار بر سعادت بشر می‌داند. در کتاب مینوی خرد برای صاحب‌منصبان، عالمان، نظامیان، آموزگاران و دیگر مشاغل کلیدی اجتماع، دستورالعمل‌های اخلاقی خاصی را تعریف می‌کند و نشان می‌دهد که رعایت یا عدم رعایت دستورات اخلاقی، تا چه اندازه می‌تواند در رشد و تعالی یا سقوط و تباهی انسان، تأثیرگذار باشد. امنیت و شادابی هر اجتماعی به درست رفتار کردن ایشان، وابسته است. محتوای کتیبه‌های کورش و داریوش نمونه بارزی از همین نگاه است که رعایت اشته و پیروی از خردورزی و راستی، تا چه اندازه می‌تواند در سعادت جوامع تأثیر بگذارد.

در «باب پادشاهان» با توجه به نقش حاکمان در صلاح و فساد اجتماع می‌گوید: «پادشاهان را مصاحبت با دانیان و نیکان، سودمندتر است و آنان را گفت‌وگو و مصاحبت با افترازنندگان و دورویان، زیان‌رسان‌تر است» (مینوی خرد، پرسش: ۳: ۱۹-۵). در مقابل، حاکمی را که نتواند در کشور امنیت برقرار کند و جلوی ستم را بگیرد، بدترین حاکم معرفی می‌کند. پادشاهی در امور رعیت و هدایت رعایا موفق است که از فره ایزدی بهره‌مند باشد. «فره» موهبتی است که فرد به موجب آن، براننده سالاری و فرمانروایی می‌گردد و آسایش و عدالت را در بین مردم می‌گستراند و ارتباط نزدیک با خورشید، نور، آتش و آب دارد؛ اما بهره‌مندی شاهان از فره ایزدی، به خصال اخلاقی آنان منوط است. هرگاه پادشاهی از خصال اخلاقی تهی گردد، همانند جم به سبب دروغ گفتن، از این موهبت محروم می‌گردد (پورداود، ۱۳۷۷، یشت ۱۹، بند ۳۴). دومین گروه تأثیرگذار بر اجتماع انسانی، روحانیان و آموزگاران هستند. وظیفه عالمان و روحانیان، محافظت درست از دین و ستایش ایزدان و بیان صحیح احکام و آیین و در نهایت، ترغیب و تشویق مردم به کار خوب و راه رسیدن به بهشت و بیم و پرهیز از دوزخ است. بدعت‌گذاری، آرزو، فراموشکاری، غفلت، کوته‌اندیشی و بداعتقادی، مانع رشد اخلاقی است (مینوی خرد، پرسش: ۴: ۸-۳۰). در گاهان درباره این قشر چنین آمده است: «آموزگار بد با آموزش



خویش، سخن ایزدی را برمی گرداند و خرد زندگی را تباه می کند؛ او به راستی مردمان را از سرمایه گران بهای راستی و منش نیک، بی بهره می کند» (یسنه، هات ۹، ۴۴). سومین طبقه تأثیرگذار، کشاورزان هستند. وظیفه کشاورزان، کوشش در کشاورزی و آبادانی است تا آن جا که جهان، طعم راحتی و آبادانی را بچشد؛ و وظیفه پیشه وران و صنعت گران، آن است که اگر کاری را بلد نیستند، انجام ندهند؛ و در مقابل عملی که انجام می دهند، مزد عادلانه طلب نمایند. این اثر، نادانی، رشک همراه با خشم، بدخواهی و کینه ورزی را از موانع رشد اخلاقی افراد برمی شمرد. عیب، تحقیر دیگران، پیمان شکنی، خشونت و تکبر نیز مانع رسیدن نظامیان به کمالات اخلاقی است. عیب صنعت گران در بداعتقادی، ناسپاسی، زشت گویی، بی ادبی و تندی است (مینوی خرد، پرسش ۱۰: ۵۸).

اخلاق در ساحت فردی

دین زرتشت، انسان را موجودی آزاد و خردمند می داند و بر انتخاب آگاهانه یکی از دو راه خیر و شر بسیار تأکید دارد (یسنه، هات ۳۱، ۲۰). برخی بر این باورند که در دین زرتشتی، در همه موجودات غیر از انسان، طبیعت اخلاقی آنان بر اساس سرشت آفریدگارشان است؛ و این انسان است که قدرت انتخاب دارد و می تواند توازن بین خیر و شر را بر هم بزند و شر را با انتخاب خیر، از بین ببرد (مجموع نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۹۱). در متون پهلوی از انتخاب با عنوان «گزیداری» یاد شده است؛ انتخابی که توأم با خردورزی است. این گزینش در قالب اندیشه، گفتار، و کردار بین خیر و شر، نمود می یابد (بویس، ۱۳۸۱، ص ۲۵). همین امر سبب گردید تا عملی که از سر آگاهی انجام می پذیرد، ارزشمندتر باشد. در اهمیت آگاهی در دین زرتشت همین بس که آرزوی اهوره مزدا بر شناخت او است و در مقابل، اهریمن آرزومند است که کسی نتواند او را بشناسد (مینوی خرد، پرسش ۳۹، ۲۴-۲۹). شاید بتوان انتخاب همراه با شناخت را یکی از محورترین مباحث در «گاهان» دانست که زرتشت به آن اشاره دارد و به روشنی، از اختیار انسان در گزینش دو راه خیر و شری که پیش روی انسان است، سخن می گوید (یسنه، هات ۲: ۳۰-۳۱ و هات ۱۱: ۳۱). معیار و ارزش هر عمل، بر پایه معرفت انسان است: «هر کسی باید برای روان، رنج برد و از کار نیک آگاه باشد؛ زیرا که آن کار نیکی که مردم ناآگاهانه کنند، کار نیک

کمتری به شمار می‌آید» (مینوی خرد، مقدمه، ص ۲۳-۲۶). این معرفت و آگاهی، در حقیقت، فهم خیر و شر است. اهوره‌مزدا پرتوی از این خرد را در انسان قرار می‌دهد که به انسان توانایی اندیشه درست را می‌دهد. در کنار خرد، در انسان نیرویی بنام «دانا» وجود دارد که مرکزیت اخلاق با او است. بنابراین اگر آدمی به فرمان وجدانش رفتار کند، از اخلاق دور نمی‌شود (مهر، ۱۳۸۷، ص ۹۰). در دین زرتشت تأکید فراوانی بر اختیار انسان در گزینش خیر و شر شده است، اما با اندک تأملی در مینوی خرد، به این نتیجه می‌رسیم که تقدیر در جهان‌بینی مینوی خرد، چنان نیرومند است که هیچ تلاش و کوششی نمی‌تواند سرنوشت انسان را تغییر دهد؛ در نتیجه، برای کسی که نیکی مقدر نشده، هر اندازه تلاش کند نمی‌تواند به آن دست یابد؛ حتی از خرد که تمام موجودات به واسطه آن آفریده شده‌اند نیز امکان تغییر تقدیر نیست: «پرسید دانا از مینوی خرد که با کوشش چیز و خواسته گیتی را می‌توان به دست آورد یا نه؟ مینوی خرد پاسخ داد که با کوشش آن نیکی‌ای را که مقدر نشده است، نمی‌توان به دست آورد؛ ولی آنچه مقدر شده است، با کوشش زودتر می‌رسد» (مینوی خرد، فصل ۱: ۲۱-۵).

عوامل رشد اخلاقی در اجتماع و فرد

در رشد و تعالی انسان و جامعه، مینوی خرد، موارد تأثیرگذاری را برمی‌شمرد که می‌تواند به انسان در رشد مسائل اخلاقی کمک برساند و مشکلات و حوادثی که از ناحیه اهریمن و نیروهایش به وجود می‌آید، به سلامت بگذرانند. از آن موارد می‌توان خرد، عهد، سپاس‌گزاری و هم‌صحبتی با نیکان را برشمرد.

خرد

کلیدی‌ترین و مهم‌ترین دستور را مینوی خرد، خردورزی و دانایی می‌داند: «برای نگاهداری تن و نجات روان، چه چیز بهتر و برتر است و آنان بنا بر آنچه در دین معلوم شد، گفتند که از همه نیکی‌هایی که به مردمان می‌رسد، خرد بهتر است» (مینوی خرد، ص ۴). خردورزی و آگاهی، سرچشمه همه فضایل است. اداره گیتی و مینو را در خویشتن متوطن ساختن، فقط با خرد امکان‌پذیر است: «نمادهایی همچون امشاسپند سپندارمذ و امشاسپند بهمن، تجلی ذهنی و صورت تجریدی از خردمندی و منش نیک» است (بویس، ۱۳۸۱، ص ۲۴). کل هستی را اورمزد به



خرد آفرید. در این باره که این خرد، چه نوع خردی است، با مطالعه پرسش پنجاه و ششم چنین برداشت می‌شود که منظور از خرد ذاتی، همان خردی است که در خلقت همه موجودات، همراه اورمزد بوده است. از پرسش‌های دیگر چنین برداشت می‌شود که امکان دستیابی از همان خرد، متتها به شکل تنزلیافته آن، برای انسان وجود دارد، و تمام کارهای نیک انسان‌ها در اجتماع و نیز در مسائل فردی، به مدد بهره‌مندی از همین خرد، امکان‌پذیر می‌شود. اما با گرایش به فرامین اهریمنی به سبب گناه، خرد همانند آتش زیر خاکستر می‌گردد. در فصلی دیگر، معیار خردورزی انسان را در نیک رفتار کردن می‌داند؛ بنابراین اگر خردی از نیک‌ورزی تهی باشد، نمی‌توان آن را خرد شمرد: «پرسید دانا از مینوی خرد، که خرد بهتر است یا هنر یا نیکی؟ مینوی خرد پاسخ داد که خردی که با آن نیکی نیست آن را خرد نباید شمرد و هنری که خرد با آن نیست، آن را هنر نباید شمرد» (مینوی خرد، پرسش ۱: ۱۰-۵). همان گونه که قبلاً ذکر شد، خرد با این که نقش کلیدی در رشد فضایل اخلاقی انسان دارد، در مقابل تقدیر، ناکارآمد و عاجز است و نمی‌تواند چیزی را تغییر دهد (مینوی خرد، پرسش ۷: ۲۲-۴). با وجود این، اگر کسی برای به دست آوردن خیری که برای او مقدر نشده، دعا کند، فقط در عالم مینو از ثواب آن بهره‌مند می‌شود (مینوی خرد، پرسش ۲۱: ۴-۶). در این اثر، نقطه مقابل خرد را شهوت دانسته است.

عهد

وفای به عهد و پیمان، از زمان بسیار کهن، اساس ارتباط انسان با امر متعالی و با هموعانش در مسائل فردی و اجتماعی بوده است. اهمیت این امر در ایران باستان، آن قدر زیاد بوده است که/یزد مهر که متصدی این حقیقت اخلاقی بود، از اهمیت و ارج و قرب فراوانی بین دیگر ایزدان برخوردار بوده است. در ایران باستان/یزد مهر، حافظ پیمان، مجری عدالت و رفاه، دل‌سوز، دادرس، دشمن دروغ و نیز ایزدی که اهل انتقام و ستاندن حق مظلوم از ظالم است، و نگاهبان موجودات و طبیعت، معرفی گردیده است؛ به سبب برخورداری او از دانایی و آگاهی، احدی نمی‌توانست او را بفریبد. از منظر آنان او همواره گیتی را مورد عنایت و محبت قرار می‌داد.

شکر

برترین اعمال نیک از دید مینوی خرد، شکر و سپاس‌گزاری به درگاه ایزدان و نیز آرزوی خوبی برای دیگران است: «پرسید دانا از مینوی خرد که کدام کار نیک از میان کارهای نیک، بزرگ‌تر و بهتر است و هیچ هزینه‌ای در کار آن، لازم نیست؟ مینوی خرد پاسخ داد که نسبت به ایزدان سپاس‌گزار بودن و برای همه، نیکی آرزو کردن؛ این از هر کار نیک، بزرگ‌تر و بهتر است...» (مینوی خرد، پرسش ۱: ۸-۶۲) و نباید به هنگام بدی و ناخوشی از جانب دیوان و اهریمن، نسبت به ایزدان بدگمان شد؛ چراکه این بدگمانی، خود ناسپاسی است (مینوی خرد، پرسش ۷: ۱۱-۵۱).

هم‌صحبتی با نیکان

از عواملی که می‌تواند به انسان در طی مسیر اخلاقی کمک کند، چند امر است: اول، هم‌نشینی با دوست خوب؛ دوم، فرزند نیک و زن نیک؛ و تندرستی (مینوی خرد، فصل ۷: ۱۱-۱۳). از مصاحبت با نیکوکاران، نیک‌منشی دریافت می‌شود و هم‌نشینی با انسان‌های بد، پلیدی به همراه دارد؛ همانند بادی که بر مشک بوزد، بوی خوش و اگر به گنداب بوزد، بوی ناخوش را با خود می‌آورد (مینوی خرد، فصل ۶: ۵۹-۱۴).

موانع رشد اخلاق در اجتماع و انسان

در متون پهلوی اهریمن، وجود مادی (گیتی) ندارد، اما سرمنشأ تمام شرور است؛ و اوصافی همانند نادانی، پَس‌دانشی، دروغ‌گویی، بی‌رحمی و بدبویی برای او به کار می‌برند. اهریمن به شاهد متون پهلوی، زندگی انگل‌واری در درون انسان دارد؛ اگر انسان، این تن را که مکان سکنا گزیدن اهریمن است، از آن دریغ کند، او نابود می‌شود: «در صورتی ممکن است اهریمن را از این جهان راند که هر کس به سهم خویش، او را از تن خود براند؛ چون جایگاه اهریمن در جهان، تن آدمیان است. از این رو، وقتی اقامتگاهی برای او در تن آدمیان نباشد، او از جهان، نیست می‌شود. بنابراین وقتی که در این جهان [حتی] دیو کوچکی در تن یک انسان مسکن دارد، اهریمن در جهان هست» (شاکد، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰). نبرد با اهریمن در دین زرتشت با موجود خارجی مادی پیکرمند نیست، بلکه این جنگ انسان با خویشتن خویش است. انسان با



سیر و تعمق در خویشتن، می تواند با اهریمن به جدال برخیزد و منزلی دلپذیر و آسوده در خویشتن برای ایزدان فراهم کند؛ به همین سبب، لحظه لحظه زندگی برای مؤمن زرتشتی از اهمیت برخوردار است؛ چراکه اهریمن از لغزش ها استفاده کرده، به درون انسان نفوذ می کند. بیش ترین نفوذ اهریمن به درون انسان، از طریق دنیا، شهوت، خشم، آز، دروغ، کینه ورزی، حرص و عدم قناعت و تنبلی است.

دنیا

با وجود آن که مینو در فلسفه زرتشتی، هیچ برتری ای بر گیتی [ج] ندارد و در ابتدا مینو و گیتی بر وزن هم بودند، اما به جهت آمیخته شدن نیروهای خیر و شر و گرفتار شدن انسان به حیل های اهریمنی در گیتی و بر هم خوردن مخلوقات گیتی، موجب گردید تا موانع فراوانی بر سر راه انسان قرار گیرد: «پس اهرمن آن هفت سیاره را که هفت سپاهبد اهرمن نامیده اند، برای بر هم زدن و ربودن آن نیکی از مخلوقات اورمزد و برای مخالفت با مهر و ماه و آن دوازده برج آفرید...؛ تا آن جا که توانایی ای بدانان داده شده است، از آنان می ربایند و به نیروی دیوان و دروجان و بدان می دهند» (مینوی خرد، فصل ۷: ۱۱-۱۰). از این رو، مینوی خرد سفارش می کند که انسان نباید به خوبی های گیتی تکیه کند؛ چراکه همچون ابر بهاری، زودگذر است. بنابراین نباید به خواسته و قدرت حاصل از آن توجه کرد؛ و کسی که به فکر ساختن آن است، باید بداند زمینه دستیابی به عالم مینو را تباه می سازد: «به زندگی تکیه مکن؛ چه سرانجام مرگ بر تو رسد و لاشه ات را سگ و پرنده پاره پاره کنند و استخوانت به زمین افتد» (مینوی خرد، پرسش ۹۸: ۱-۱۰۴ و ۱۱۰-۱۱۴). اهریمن با فریب، ستم و آز، همواره اغواگری می کند؛ تا آن جا که انسان اهریمن صفت، دارای مکنت و جاه شود و مؤمنان و دانایان، در جامعه بی ارج و قرب شوند (مینوی خرد، پرسش ۵۷). سرچشمه همه رذایل اخلاقی در پنج چیزی است که راه درمان این آفات در شجاعت و مردانگی است: «آن مرد شجاع تر است که با دروج خویش، بتواند ستیزه کند و به ویژه آن پنج دروج را از تن دور کند که عبارتند از آز و خشم و شهوت و ننگ [د] و ناخرسندی» (مینوی خرد، فصل ۴۰: ۱۲-۸).

شهوت

شهوت (وَرَن) از اندیشه بد، متضاد خرد ذاتی و اساس و بنیاد جهل، معرفی شده است. اولین مقابله اهریمن - بعد از آفرینش گاو و کیومرث، با فروهشتن درد - ایجاد نیاز و شهوت در انسان بوده است (صفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۳). شهوت نه تنها نابودکننده اخلاق، بلکه نقطه مقابل حقیقت نیز هست، با حيله گری اهریمن، سیرتی در درون انسان به وجود می آید که همه چیز را وارونه و معکوس می بیند: زشت را زیبا، خیر را شر، درست را نادرست؛ «و به این جهت در دین گفته شده است که از هر بدی ای که گنای بدکار ملعون (= اهرمن) به او رمزد کرد، این چهار چیز، بدتر و و گران تر است: هنگامی که مزد کار نیک و عقوبت گناه و اندیشه مردمان و فرجام کار نهفت» (مینوی خرد، پرسش ۸-۱۲-۱۰). به همین جهت، از مینوی خرد سؤال می شود که کدام عمل اهریمنی زیان بارتر است و او پاسخ می دهد: «اهرمن هنگامی که از مردمانم زندگی و زن و فرزندان و همه نیکی های گیتی را بر باید، نمی پندارد که به هیچ وجه، زیانی به آن کس رسانیده است، ولی هنگامی که روان یکتا را بر باید و تباه کند، می پندارد که زیانی کامل بدو رسانیده» (مینوی خرد، پرسش ۵: ۴۵-۳).

خشم

از بین رفتن اعمال نیک و فراموشی نسبت به اعمال دینی، از ثمرات خشم است: «خشمگینی مکن؛ چه مرد هنگامی که خشم گیرد، کارهای نیک و نماز و پرستش ایزدان، فراموشش شود و هر گونه گناه و بزه به اندیشه اش افتد؛ و تا نشستن خشم، برابر اهرمن شمرده شده است.» در یسنه ۱۰، بند ۸ و یسنه ۲۷ بند ۱، و نذیرداد فرگرد ۹ بند ۱۳، و فروردین یشت بند ۱۳، از خشم با صفت «دارنده درفش خونین» یاد شده است. بندهش، خشم را مبارزی می داند که با هفت نیرو به جنگ اهوره مزدا می رود (بهار، ۱۳۸۲، بخش ۲۸، بند ۱۵).

آز

این رذیله اخلاقی، موجب می گردد آدمی ناپایداری دنیا (گیتی) را فراموش کند و به فکر مرگ و حساب اعمالش نباشد: «پرسید دانا از مینوی خرد که چرا مردمان به این چهار چیز که باید بیش تر در ذهن خود بدان بیندیشند، کمتر می اندیشند: گذران بودن گیتی و مرگ تن و



حساب روان و بیم دوزخ؟ مینوی خرد پاسخ داد که به سبب فریب دیو آز و به سبب ناخرسندی (=عدم قناعت) «مینوی خرد، پرسش ۱۷». مخفی شدن عقوبت و اثرات گناه در چشم گناهکاران و بی اعتقاد شدن نسبت به پاداش عمل نیک، موجب می شود راه نفوذ اهریمن در انسان از طریق افراط و تفریط، دروغ، بدعت، شک و حرص و کینه ورزی، هموار گردد؛ چراکه انسان در آغاز آفرینش، دانا به هر عمل نیک و بد و عواقب آن بود: «مردمان در آغاز آفرینش، چنان دانا بودند که هر کار نیک و گناهی که می کردند، پاداش کار نیک و عقوبت گناه را به چشم خویش می دیدند و هیچ گونه گناه از آنان سر نمی زد. پس اهریمن بدکار پاداش کار نیک و عقوبت گناه را نهفت» (مینوی خرد، پرسش ۴: ۱۰-۱۲). این عمل اهریمن، بدترین کار در دین معرفی شده است.

دروغ

در گاهان، دروغ/دروغ^۱ در برابر اشه است. این تمایز، ابداع زرتشت است، در نگرش زرتشتی، این دو، یک جفت متضاد معنایی کامل را می سازند که به جهان مینویی تعلق دارند، (یسنه، هات ۱۰، ۱۶). بنابراین حضورشان در جهان مادی، تنها نمودی غیرمستقیم دارد. دروغ در قالب نوعی بی قانونی و بی نظمی، پدیدار می شود. زرتشت درباره دروغ در گاهان چنین می گوید: «ای مردان و ای زنان به درستی بدانید که در این جهان، دروغ، فریبنده است؛ از آن جدا شوید و آن را مگسترانید و بدانید آن خوشی که از تباهی و تیرگی به دست آید، مایه اندوه است؛ روحی که راستی را تباه می کند، زندگی بهشتی خویشتن را نابود می کند» (یسن، هات ۵۳، ۶). دروغ در این آیین، از مرگ بدتر است: «پرسید دانا از مینوی خرد که با بیم و سخن دروغ زیستن بدتر است یا مرگ؟ مینوی خرد پاسخ داد که با بیم و سخن دروغ زیستن، از مرگ بدتر است؛ چه برای زندگی هر کس، شادی و خوشی گیتی لازم است. اگر شادی و خوشی گیتی را ندارد و بیم و سخن دروغ نیز با اوست، از مرگ بدتر دانسته شده است» (مینوی خرد، پرسش ۱۸). دروغ موجب شک و دودلی به نیکان می گردد و این شک تنها بدین جا ختم نمی گردد، بلکه

۱. در زبان اوستایی، دروغ یا دروگ و در زبان پهلوی دروز، به معنی دروغ، نام ماده دیو دروغ و نادرستی و پیمان شکنی است (اوستا، ج ۲، ص ۹۸۳).

این شک در عبادت و ستایش انسان نسبت به ایزدان سرایت می کند و موجب عدم استجابات دعا می شود و امشاسپندان، عبادت او را کمتر می پذیرند.

کینه ورزی

به واسطه اثر بسیار بد و طولانی کینه ورزی در انسان و روابط اجتماعی، مینوی خرد این رذیله اخلاقی را در زمره بدترین گناهان می داند. عقوبت اخروی و دوزخ سخت، از ثمرات این گناه است: «برای مرد کینه ور، عقوبت روان، گران تر است از دیگر بدکارانی که در دوزخند؛ زیرا که کین در پیوند (نسل به نسل) ادامه می یابد؛ و هر گناهی را بهتر از کینه می توان اصلاح کرد؛ چه کینه در پیوند می ماند و گاهی هم تا فرشگرد دوام می یابد...» (مینوی خرد، فصل ۱۹: ۲۰-۲۷)؛ «با مرد کینه ور نبرد مکن و به هیچ گونه او را میازار» (مینوی خرد، پرسش ۱، ۵۵-۵۴).

حرص و عدم قناعت

این دو نیز همانند آز، موجب غفلت انسان از ناپایداری گیتی است و بالتبع، انسان را از مرگ و حساب و کتاب پس از مرگ غافل می کند: «پرسید دانا از مینوی خرد که چرا مردمان به این چهار چیز که باید بیش تر بیندیشد، کمتر می اندیشد: گذران بودن چیز گیتی و مرگ تن و حساب روان و بیم دوزخ؟ مینوی خرد پاسخ داد که به سبب فریب دیو آز و عدم قناعت» (مینوی خرد، پرسش ۱۷).

تنبلی

این حالت، موجب محروم شدن انسان از رحمت و توجه اهوره مزدا است؛ چرا که هر آنچه استفاده می کند، از راه درست نیست و بر خلاف قانون اشته است. این گونه ارتزاق، تأثیرات بدی بر تن و روان دارد. در متون دینی زرتشیان، چنین انسانی مستحق صدقه و هدیه نیست: «مرد کاهل ناشایسته ترین مردمان دانسته شده است؛ چه از دین پیدا است که آفریدگار اهوره مزدا برای مردم کاهل، غله نیافرید و به مردم کاهل، چیزی به عنوان هدیه و صدقه نباید داد و مهمانی و پذیرایی از آنان نباید کرد؛ زیرا که خوراکی که مرد کاهل می خورد، به نادرستی و بر خلاف شرع می خورد و به سبب کاهلی و خوردن بر خلاف شرع، تنش بدنام و روانش بدکار می شود» (مینوی خرد، فصل ۲۰، ۲۷-۳۳).



در فصل سی و پنجم، فهرستی از گناهانی کبیره را برمی‌شمرد که برخی از آنان در ساحت فردی و برخی دیگر در ساحت اجتماعی، در خور توجه است: لواط، کشتن انسان پارسا، زیان رساندن به آتش بهرام، کسی که مانع ازدواج با نزدیکان شود^۱، بت پرستی، ارتداد، خیانت در امانت، کسی که بدون استحقاق مالی را به دست آورد، زندیق^۲، جادوگری، بدعت گذاری، دیوپرستی، پیمان شکنی، کینه ورزی، تصاحب مال دیگران با ظلم و ستم، اذیت انسان مقدس، افترا، رابطه با زنان شوهر دار، کسی که به سبب از دست دادن چیزی ناخرسندی کند، کسی که از رنج انسان پارسا شادی کند، اشاعه فحشا، و در آخر کسی که از عمل نیکی که کرده پشیمان گردد.

نتیجه

دنیا (گیتی) جایی برای یاری رساندن اهوره مزدا در رسیدن به قدرت مطلق است، اما به سبب آلوده شدنش به دست اهریمن قابل اعتماد نیست. انسانی که در مینوی خرد به تصویر کشیده شده، دائماً مورد حملات اهریمنی است و راه رسیدن به فضایل اخلاقی در پرتو اشته و بهره‌وری از خرد همراه با اعمال نیک در سه ساحت گفتار، کردار و پندار نیک، امکان پذیر است. در نتیجه، انسان همواره باید سعی کند که با رعایت عوامل رشد اخلاقی و پرهیز از موانع آن، امشاسپندان را در خود متوطن سازد. در این بین، غفلت از راه‌های نفوذ اهریمن، موجب تباهی انسان می‌گردد. یادآوری این نکته بسیار ضروری است که در کنار تأکید فراوان دین زرتشت بر اختیار انسان، مینوی خرد همه تلاش و کوشش انسانی را تا جایی مفید می‌داند که مخالف با تقدیر نباشد؛ و الا در پیمودن مسیر، دچار مشکلات فراوان خواهد شد و سرانجام به سر منزل مقصود نمی‌رسد؛ اگرچه آدمی برای تلاش و کوششی که می‌کند، از اجر معنوی در عالم پس از مرگ برخوردار خواهد شد.

۱. درباره ازدواج با نزدیکان باید در جای خود بررسی شود که آیا دقیقاً همان ازدواج با محارم منظور است یا این که معنا و مفهوم دیگری دارد. هموطنان زرتشتی در تحلیل خود، این امر را مردود دانسته، این گونه عبارات را به ازدواج فامیلی تفسیر می‌کنند.

۲. کسی که متون دینی را برخلاف شرع و به روش غیر مجاز تفسیر کند (مینوی خرد، ص ۱۳۵).

ضمیمه

الف: «پوریوتکیشان» به متونی اطلاق می‌شود که در آن از سنت گذشتگان پیروی کردند که از آن موارد می‌توان «آذر فرنیغ» فرحزاد/ان را نام برد که در دینکرد، تأکید فراوانی بر پیروی پوریوتکیشان دارد. در مقابل این گروه، «اهلایان» هستند که در پی آمیزش روشنی و تاریکی هستند. برای اطلاع بیش‌تر ر.ک به: مایه‌های فلسفی در ایران باستان، ص ۱۶۹.

ب: شش امشاسپند عبارتند از: ۱. **وهمن یا وهومن**: به معنی نیک اندیشی - پندار نیک؛ ۲. **اشه وهیشته** (اردیبهشت): به معنی بهترین استی؛ ۳. **خستره وییرییه** (شهریور): شهریار گزیده - شهریار دلخواه؛ ۴. **سپنته آرمیتی** (سپندارمذ): به معنی فروتنی و بردباری مقدس؛ ۵. **هیورواتات** (خرداد): به معنی رسایی و کمال؛ ۶. **امرتات** (امرداد): به معنی بی‌مرگی و جاودانگی. در مقابل امشاسپندان، کماله دیوان «چه سر تنفرانگیزی» قرار دارند که عبارتند از: **اکومن** (بداندیشی) در مقابل بهمن؛ اندر مقابل اردیبهشت؛ **ساوول** (ستم و بیداد) در مقابل شهریور؛ **ناگهیس** (ناخرسندی) در مقابل سپندارمذ؛ **تریز و زریز** (نخوت و کینه) در مقابل خرداد و امرداد؛ اینان موجب گمراهی انسان هستند (بهار، ۱۳۶۲، ص ۶۱). در متون اوستایی از «اکومن» به «اکه منه» یاد شده است (نگاهی دوباره به داستان اکوان دیو فروهر، ۱۳۸۵ه.ش، سال ۴۱، شماره ۴۱۸).

ج: اصطلاح مینو و گیتی در متون پهلوی دو کاربرد دارد: ۱. اشاره به مقوله کیهان‌شناختی دارد و از مینو، عالم مینو، نامرئی، مثالی و غیرمادی؛ و از گیتی، واقعی، مرئی و مادی منظور است؛ ۲. اشاره به طبقات موجودات دارد که مینو به موجودات روحانی و گیتی به موجودات مادی اطلاق می‌شود (جستاری در فلسفه زرتشتی، ص ۶۹).

د: ننگ در مینوی خرد به آبرو اطلاق می‌شود و منظور آن است که برخی به ظاهر برای حفظ آبرو دست به گناه می‌زنند، در حالی که بنا به گفته مینوی خرد، دستیابی به شایستگی، هنر و ثروت به کردار نیست؛ بلکه به تقدیری است که برای انسان نوشته شده است. برای آگاهی بیش‌تر به فصل اول مینوی خرد، بند ۲۷، رجوع شود.

منابع

۱. آموزگار، ژاله؛ احمد تفضلی (۱۳۸۶)، کتاب پنجم دینکرد، معین، تهران، چاپ اول.
۲. بهار، مهرداد (۱۳۸۲)، بندهش، انتشارات توس، تهران.
۳. _____، (۱۳۹۰)، ادیان آسیایی، نشر چشمه، تهران.
۴. _____، (۱۳۶۲)، پژوهشی در اساطیر ایران، انتشارات توس، تهران.
۵. بويس، مری (۱۳۸۱)، زرتشتیان، آداب و باورها، بهرامی، عسگر، انتشارات ققنوس، تهران.
۶. _____، (۱۳۷۵)، هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، انتشارات توس، تهران.
۷. پاکچی، احمد (۱۳۸۶)، مایه‌های فلسفی در ایران باستان، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران.
۸. تفضلی، احمد (۱۳۵۴)، مینوی خرد، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۹. پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷)، یشتها، اساطیر، تهران.
۱۰. دوستخواه، جلیل (۱۳۷۹)، اوستا، چاپ گلشن، تهران.
۱۱. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵)، وزیدگی‌های زادسپرم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ دوم.
۱۲. سالم، احمد رضا (۱۳۸۵)، «نگاهی دوباره به داستان اکوان دیو» فروهر، سال ۴۱، شماره ۴۱۸.
۱۳. شاکد، شاپول (۱۳۸۴)، از ایران زردشتی تا اسلام، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، انتشارات ققنوس، تهران.
۱۴. صفاری، نسترن (۱۳۸۳)، موجودات اهریمنی در شاهنامه، جام گل، کرج.
۱۵. فضایی، سودابه (۱۳۹۱)، پژوهشی در ایده‌ها، انسان‌ها و رویدادها در ادیان باستان، انتشارات دانشگاه ادیان، قم.
۱۶. هینلز، جان (بی‌تا)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار، نشر چشمه، تهران.
۱۷. مجموعه نویسندگان (۱۳۸۸)، جستاری در فلسفه زرتشتی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.
۱۸. مهر، فرهنگ (۱۳۸۷)، دیدی نو از دینی کهن، چاپ دیبا.

19. Boyce, Mary, Zoroastrianism in Living Religions, Oxford, Blackwell. 1997.
20. Encyclopaedia Iranica II.